

جنون و جنایت

جنون و جنایت به لحاظ ریشه لغوی هر دو از ریشه جن و جن‌زدگی است به معنای تسخیر ذهن و دل و اراده آدمی بواسطه یک موجود کافر و بیگانه‌ای به نام جن!

همه کسانی که مرتکب جنایتی شده‌اند اذعان دارند که در لحظه ارتکاب دچار مدهوشی و جنون محض بوده‌اند و لذا بلافاصله از عمل خود پشیمان گشته و بلکه آن‌را انکار کرده‌اند به این منطق که: به خدا من نبودم که مرتکب این جنایت شدم! این ادعا به لحاظی درست است ولی با دستان این فرد بوده که جنایت رخ نموده است. و این غایت عذاب یک انسانی است که عمری را در فساد و کفر و شقاوت و ظلم زیسته تا همه ارکان اراده و عقل و احساسش به تصرف اجنه و شیاطین درآمده است. و این واقعه مرحله به مرحله در طول زندگیش رخ نموده است تا شاید به خود آید و توبه کند و دست از راه و روش ظلمانه خود بکشد.

جعه همسر امام حسن^(ع) هم پس از سال‌ها انکار ولایت و امامت شوهرش تدریجاً دچار جنون گردید و در یک لحظه شیطان بر او مسلط گشت و او را به قتل همسرش کشاند. ولی بلافاصله پس از مسموم ساختن کوزه آب امام به خود آمد و از کارش پشیمان شد ولی امام آن آب را نوشیده بود و کار تمام شده بود.

ابن ملجم مرادی هم کمابیش دچار چنین جنونی شد و دست به قتل امام و پدرخوانده‌اش علی^(ع) زد و بلافاصله از کارش نادم گردید ولی دگر کار از کار گذشته بود.

عمر سعد نیز به وسوسه سلطنت ایران گام به گام به کربلا رسید و آن جنایت بزرگ را مرتکب شد ولی بعد از آن نادم و منکر اعمالش گردید.

همه این جنون‌ها و جنایات معلول وسوسه‌ها و وعده‌های شیطان در ریاست دنیاست. بنده در زندان شاهد ده‌ها تن از این جنایتکاران بودم که جملگی نادم و بلکه منکر اعمال خود بودند. آری براستی که شیطان با دستان آنها مرتکب جنایت شده بود.

همه خیانت‌ها و جنایت‌هایی که در زندگی زناشوئی هم رخ می‌دهد همین سیر را طی می‌کند.

اگر عصر ما، عصر ظهور جهانی جنون از نفس بشر است که انواع جنایت‌های بی‌سابقه در تاریخ را رقم می‌زند به معنای ظهور غایت کفر و شقاوت و بی‌عصمتی بشر مدرن است: پدر پیری که فرزندان را یکی پس از دیگری می‌کشد و مثله می‌کند و با همدستی زنش اجساد آنها را در سطل زباله می‌اندازد. مادری که با دستان خودش فرزندان خردسالش را با

زهر می کشد تا به اعتراف خودش سرنوشت آنها را نجات داده باشد. زنی که به ناگاه برنامه قتل شوهرش را می کشد. و زناى با محارم که تبدیل به یک عرف جهانی و حقوق بشری می شود. و حکومت هائی که مخالفان عقیدتی خود را سر به نیست می کنند. پزشکانی که با جان بیماران خود به شیطانی ترین شقاوتی تجارت می کنند. و مهندسانی که برای نفع بیشتر ساختمان مردم را چون خانه عنکبوت می سازند و خانه ها را قبرستان اهالی می کنند و فرزندی که برای هر چه سریع تر ثروت پدر دست یابند برنامه قتل پدر را می کشند. همه اینها و بیشتر از اینها از نشانه های ظهور اجنه و شیاطین از نفوس کافران و مشرکان است. همان طور که ارواح طیبه رسولان و امامان و ملائک هم از وجود مؤمنین و اولیای الهی ظهور می یابند و نهایتاً ذات باری تعالی از وجود مبارک خلیفه خدا رخ می نماید.

فرق این دو ظهور ملکوتی و شیطانی از نفوس بشر آخرالزمانی اینست که اجنه و شیاطین کل اراده و عقل و عمل کافران را تسخیر نموده و برده خود می سازند ولی ارواح اولیاء و ملائک در وجود مؤمنین و متقین در خدمت اراده و ایمان آنهاست و آنها را خدمت یاری می کنند تا به آسمان های برتر عروج کنند. ولی خدمت اجنه و شیاطین در وجود کافران و مشرکان اینست که آنها را در طبقات زمین در درک اسفل السافلین ترکیب و مسخ سازند تا در ادوار بعدی به صورت حشرات و دد و دیو به دنیا آیند. این جزای جنایات آنهاست در حق مؤمنین و متقین و اولیای حق! و گروهی از این کافران در لایه های زیرین زمین تبدیل به نفت می شوند که پس از استخراج، می سوزند. این همان مصداق هیزم جهنم است: «کافران هیزم جهنم هستند!» قرآن -

و تمدن مدرن حاکم بر جهان، یکسره تمدن جنون و جنایت است.

علی اکبر خانجانی

۱۴۰۱/۰۳/۱۰